

ضامن اجرای ارزش‌های اخلاقی*

آیت‌الله علامه محمد تقی مصباح یزدی رحمته

چکیده

تفاوت ارزش‌های اخلاقی و حقوقی در این است که ارزش‌های حقوقی ضامن اجرای حکومتی دارند و اگر حق کسی پایمال شود، دستگاه‌های حکومتی موظف به پیگیری آن می‌باشد. افزون بر این، دستگاه‌های مزبور برای تشویق کسانی که حقوق دیگران را رعایت می‌کنند و ارزش‌های حقوقی را محترم می‌شمارند، پاداش‌هایی در نظر می‌گیرند، اما در ارزش‌های اخلاقی چنین ضامن اجرایی‌ای در کار نیست و ارزش اخلاقی هرکاری بر انگیزه درونی فاعل آن مبتنی است، نه به ترس از معاقبه و مؤاخذه حکومت. همچنین گاهی بعضی از کارها دو جنبه دارد و از یک جنبه اخلاقی است و از جنبه دیگر حقوقی. بنابراین ممکن است بسیاری از کارها خودبه‌خود اخلاقی نباشند، اما اگر به نیت اطاعت خدا انجام شوند، ارزش اخلاقی پیدا کنند. این مقاله به این سؤال پاسخ می‌دهد که اگر ارزش‌های اخلاقی ضامن اجرای بیرونی ندارد، چه انگیزه‌ای برای رعایت آنها وجود دارد. مکاتب مختلف اخلاقی، درصدد پاسخ به این پرسش هستند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های اخلاقی، ضامن اجرای ارزش اخلاقی، عقل، حد نصاب ارزش اخلاقی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فعل او از هیچ ارزش اخلاقی برخوردار نیست. اما کسانی که پایبند چنین ارزش‌هایی باشند، تا پای جان در حفظ آنها می‌کوشند. بنا بر این نظر، اگر کسی رفتار و خدمتی را که نزد مردم بسیار ارزشمند است، صرفاً برای ارضای عواطف خود انجام دهد، ارزش اخلاقی ندارد. به عقیده نوکانتی‌ها، راه ترویج ارزش‌های اخلاقی در جامعه آن است که مردم با ارزش عقل و پایبندی به احکام آشنا شوند. بنابراین کسانی که طبق ارزش‌های اخلاقی عمل نمی‌کنند، یا از عقل برخوردار نیستند، یا عقلشان ضعیف است.

ضامن اجرای ارزش اخلاقی در اسلام

از دیدگاه اسلامی، ارزش‌های اخلاقی بیش از هر چیز به نیت افراد وابسته‌اند. به عبارت دیگر، هر کاری که فاعل انجام می‌دهد، بسته به نیتش، ممکن است ارزش منفی یا مثبت داشته باشد و ردیلت یا فضیلت شمرده شود. بنابراین عبادت اگر به قصد خودنمایی و ریا انجام شود، کاری شیطانی خواهد بود و نزد خدا هیچ ارزش مثبتی ندارد و باطل است؛ و در مقابل، اگر صرفاً به قصد اطاعت امر خدا انجام شود، دارای ارزش مثبت بسیار بالایی است.

از دیدگاه اسلامی - برخلاف نظر کانت - ارزش اخلاقی درجات متفاوتی دارد و از یک حد نصاب شروع می‌شود و ادامه می‌یابد. درجات افراد نیز با توجه به نیت‌ها و شرایط مختلف آنها متفاوت است. این سیر درجات تا رسیدن به مراتب ارزش‌های اخلاقی انبیا و اولیای الهی ادامه دارد؛ یعنی جایی که دیگر عقل انسان از درک آن مراتب ناتوان است.

با توجه به مراتب متفاوت ارزش اخلاقی، ضامن اجراهای متفاوتی نیز وجود دارد. اسلام در این خصوص، دیدگاه واقع‌بینانه‌ای دارد و معتقد است افراد می‌توانند به تدریج ارزش اخلاقی کارهای خود را ارتقا بخشند تا به حد مطلوب برسند؛ به شرط اینکه در هر مرتبه، دچار غرور نشوند و به مرحله بالاتر بیندیشند و برای رسیدن به آن بکوشند. برخی از انسان‌ها را می‌باید همانند کودکان، به انحصار مختلف تشویق کرد تا انگیزه انجام کار خوب در آنها پدید آید. این تشویق‌ها یا تنبیه‌هاست که برای بیشتر کودکان انگیزه عمل ایجاد می‌کند. بر این اساس، یک پدر حکیم تنها زمانی می‌تواند در تربیت فرزند خود یا وادار کردن او به کسب علم موفق شود که مطابق فهم

آگاهی از سود و زیان کارها؛ ضامن اجرای ارزش اخلاقی
 برخی از مکاتب اخلاقی ریشه ارزش اخلاقی را «سود و زیان» می‌دانند و به ارزش اخلاقی مستقلی معتقد نیستند. از نظر آنها، هر چیزی که برای جامعه مضر است، اخلاقاً نیز بد است، و هر چیزی که برای جامعه مفید است، اخلاقاً خوب است. چنین گرایش‌هایی از گذشته وجود داشته است. اکنون نیز بسیاری از مردم عملاً تابع آن‌اند؛ گرچه صریح از آنها سخنی بر زبان نمی‌آورند. پیروان این مکتب معتقدند برای اینکه ارزش‌های اخلاقی در جامعه رواج یابد، می‌باید مردم جامعه را به گونه‌ای تربیت کرد که بفهمند در صورت مخالفت با ارزش‌های اخلاقی با ضررهای جبران‌ناپذیر مواجه خواهند شد. به عبارت دیگر، ضامن اجرای ارزش‌های اخلاقی آن است که مردم از منافع خوب اخلاقی و مضار بد اخلاقی آگاه شوند (فرانکنا، ۱۳۷۵، ص ۸۳-۹۴). هر اندازه در اثبات این منافع و مضار به مردم، موفقیت حاصل شود، مردم این ارزش‌ها را بیشتر رعایت خواهند کرد؛ زیرا فطرت هر انسانی طالب منافع خودش است.

آگاهی از زیبایی کارها؛ ضامن اجرای ارزش اخلاقی

برخی دیگر معتقد بودند ارزش‌های اخلاقی نوعی زیبایی در رفتار است. بر این اساس، همان‌گونه که انسان فطرتاً از زیبایی‌هایی حس می‌برد، در رفتارها نیز زیبایی‌هایی وجود دارد، و کسانی که مرحله حیوانیت را پشت سر گذاشته باشند و از معرفت انسانی بالایی برخوردار باشند، این زیبایی را درک می‌کنند؛ به همین جهت، از احسان به دیگران و رعایت حقوق آنان لذت می‌برند. بنابراین ضامن اجرای این ارزش‌ها نیز آگاه ساختن مردم از زیبایی‌های کارهای اخلاقی و تقویت حس زیبانشناسانه در رفتار آنان است. این کار با استفاده از ابزارهایی همچون ادبیات، هنر و شعر تحقق می‌یابد؛ زیرا مردم دوست دارند رفتار خود را به رفتار قهرمانان داستان‌ها و امثال آن شبیه کنند.

عقل؛ ضامن اجرای ارزش اخلاقی

نظریه معروف دیگری که هم‌اکنون در محافل دانشگاهی مطرح است، نظریه کانت و نوکانتی‌هاست. بنا بر این نظریه، ارزش اخلاقی یک فعل را فقط حکم عقل معین می‌کند. به عقیده کانت، انسان اگر به مقتضای عقل خویش رفتار نکند، با سایر حیوانات تفاوتی ندارد و

حد نصاب ارزش اخلاقی در اسلام

تا اینجا گفته شد که انسان‌ها به حسب مراتب مختلفی که دارند، گاه تحت تأثیر تشویق و گاه تحت تأثیر هشدار و تنبیه و نیز نفس لوامه، کارهای اخلاقی می‌کنند؛ اما از نظر اسلام، این مراحل، که انسان تحت تأثیر تشویق، تنبیه، نفس لوامه یا وجدان درصدد انجام کار برآید، زیر حد نصاب ارزش است.

حد نصاب ارزش در اسلام جایی است که عمل اخلاقی به بی‌نهایت وصل شود و انسان با خدای ابدی و بدون نقص و ضعف ارتباط یابد. نتیجه چنین عملی در زندگی ابدی او ظاهر خواهد شد. از نظر اسلام، کار خوبی که صرفاً نفع دنیوی داشته باشد - مانند کاری که برای راضی نگه داشتن وجدان انجام می‌شود و نتیجه نفس لوامه است - زیر حد نصاب است. در پیشگاه خداوند متعال، کاری از حد نصاب ارزش برخوردار است که برخاسته از ایمان و برای آخرت باشد. چنین کاری همان عمل صالحی است که با ایمان به خداوند متعال همراه است (ر.ک: غافر: ۴۰؛ اسراء: ۱۹). البته خود این ارزش‌ها مراتب بسیار زیادی دارند که در ادامه به این موضوع می‌پردازیم.

منبع

فرانکنا، ویلیام، ۱۳۷۵، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.

او در وی انگیزه ایجاد کند. به تدریج که عقل کودک قوت گرفت و مزه علم را چشید و منافع آن را شناخت، انگیزه‌اش نیز بیشتر می‌شود. اگر مشوق‌ها نباشد، هیچ‌گاه این انگیزه جدید پدید نخواهد آمد. بنابراین انگیزه‌های ابتدایی در انسان به تدریج به انگیزه‌های انسانی، سپس عقلانی و سرانجام انگیزه الهی تبدیل خواهد شد.

انبیا نیز در تربیت انسان‌ها از این نکته‌ها غفلت نکرده‌اند. خداوند آن قدر به بندگانش لطف دارد که حتی افراد کهن سال را که ممکن است اندکی از حیات آنها باقی باشد، نادیده نمی‌گیرد و به انحاء مختلف ایشان را به حقیقت دعوت می‌کند، یا به عبارت دیگر، متناسب با فهم و استعداد انسان‌ها، شیوه‌های متفاوتی به کار می‌برد. بر این اساس، از ابتدا آنها را وادار به انجام کار به قصد قربت نکرده است؛ زیرا به‌طور قطع چنین تربیتی عملاً موفق نخواهد بود؛ بلکه در مقام تربیت، برای انسان عوامل تقویت‌کننده یا به اصطلاح ضامن اجرایی فراهم کرده است: گاه از راه تشویق و گاه از راه هشدار و تنبیه و گاه نیز از راه بیان عذاب وجدان.

گفتنی است براساس دیدگاه مکاتب گذشته، متعالی‌ترین ارزش‌ها آن است که انسان در مواجهه با کار ضد اخلاقی وجدانش ناراحت شود و دچار عذاب وجدان گردد. در این باره مثال‌ها و داستان‌های فراوانی وجود دارد. برای مثال، کسانی که اول بار بمب‌های اتمی را به کار گرفتند، پس از آگاهی از عمق فاجعه‌ای که رخ داده بود، به گناه بزرگی که مرتکب شده بودند، اعتراف کردند و سرانجام نیز دچار اختلال روانی شدند.

در روش‌های تربیتی قرآن از چنین ابزاری نیز استفاده شده است. این نهایت لطف خداست که می‌خواهد به هر وسیله‌ای انسان‌ها را از دام شیطان برهاند و به سوی کمال سوق دهد. از این‌رو، در درون انسان نفسی به نام «نفس لوامه» قرار داده که حکم همان «عذاب وجدان» را دارد و در قرآن محترم شمرده است: «وَلَا تُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت: ۲). انسان بر اثر گناهی که مرتکب می‌شود، خودش را ملامت می‌کند. البته این عامل گاهی لوازم ظاهری نیز دارد. مثلاً درباره زندگی علما و بزرگان نقل شده است که اگر بر اثر غفلت، گناهی مرتکب می‌شدند، برای جبران آن، روزه می‌گرفتند یا مدتی خود را از خوردنی‌های لذیذ محروم می‌کردند. بنابراین قرآن کریم از این مرحله که مربوط به وجدان اخلاقی است و مکاتب دیگر آن را عالی‌ترین عامل برای انجام کارهای خیر و ترک گناهان می‌شمارند نیز بهره برده است.